

چند برگ تفهیر قرآن عظیم

به سلسله نشرات ریاست کتابخانه‌های عامه افغانستان

کابل - جوزا ۱۳۵۱

«چند برگ تفهیر قرآن عظیم» نام جزوه یا کتابی است که بتازگی از طرف سلسله نشرات ریاست کتابخانه‌های عامه افغانستان، به کوشش آقای مایل هروی به صورت عکسی طبع و نشر شده است.

اتفاق را، در شماره اخیر مجله دانشکده ادبیات مشهد آقای دکتر متینی مقاله‌ای نوشته‌اند در معرفی «تفسیری بر عشری از قرآن مجید»^۲.

۱- این جزوه را آقای دکتر محقق از راه لطف، در اختیار نگارنده گذاشتند.

۲- «تفسیری بر عشری از قرآن مجید» را آقای دکتر متینی - استاد و رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، از برای چاپ آماده کرده‌اند و بنیاد فرهنگ ایران، این متن را هم، مانند بسیاری از متون خوب فارسی، طبع و نشر خواهد کرد.

شبهات لغوی عجیب و شگفت این دو تفسیر بنده را بر آن داشت که این مختصر را به روی کاغذ آورد، آقای دکتر مینینی در مقاله یاد شده وجوه شبهات و اشتراك لغوی تفسیری بر عرشری از قرآن را با دو تفسیر دیگر : تفسیر قرآن پاک و تفسیر قرآن مجید (تفسیر کمبریج) متذکر شده اند .

با توجه به متون فارسی - متن های طبع و نشر شده - شاید بتوان گفت که حوزه کار برد بیشتر واژه ها در قدیم، چنانکه در این روزگار، محدود بوده است با علم به اینکه در روزگاران گذشته بر خورد و تماس مردم شهرها با یکدیگر کمتر بوده و نیز وسایل ارتباط جمعی وجود نداشته است در نتیجه مؤلف یا نویسنده ای که قصد تألیف و یا تصنیف کتابی را داشته بیشتر و شاید تمام واژه های را به کار می گرفته که در محیط او و در گویش او معمول بوده است^۱ ازین روی ما میتوانیم که از اختصاص های لغوی و دستوری يك متن بطور تقریب بگوئیم که :

۱- زمان تألیف کی بوده است .

۲- کتاب در کجا تألیف شده و مؤلف از چه شهری و ولایتی بوده است .

۳- متن در کجا کتابت شده است^۲ .

برای نمونه چند واژه را یاد میکنیم :

فرویش و فرویشی به معنی غفلت و فرویش کار در ترجمه و معادل غافل در متن تفسیر قرآن پاک به کار رفته است این واژه را در شعر مسعود سعد سلمان ، سنایی غزنوی ، امیر خسرو دهلوی و در تفسیر کمبریج می یابیم .
سرباك که به صورت تصحیف سرناك و سرباك در فرهنگ ها و متون دیده شد و به معنی پیشوا و بزرگ است در تفسیر قرآن پاک و شعر سنایی و ابوالفرج رونی آمده است .

۱- برخلاف امروز، که اغلب نویسندگان تلاش می کنند که اثر آنها رنگ محلی نداشته باشد و از همین روی از واژگانی استفاده می کنند که همه کس فهم باشند و با این جهت لغات محلی رو به نابودی می رود .
۲- برخی از کتاب و نساخ گاه به ذوق و سلیقه خود در متن دست برده و کلمه و یا واژه ای را که نمی پسندیده اند و در محیط زیست آنها به کار نمی رفته است عوض می کرده اند. دلیل این ادعا، تحریرهای مختلفی است که از يك متن - که در جاهای مختلف رونویس شده - در دست داریم .

مایگان : به معنی ماه در تاریخ سیستان و در تفسیری بر عشری از قرآن و تفسیر قرآن پاك به کار رفته است .

هوازی : به معنی ناگاه، منافعه در شاهنامه فردوسی و گرشاسب نامه اسدی و تفسیر قرآن پاك و تفسیر کمبریج و تفسیری بر عشری از قرآن و چند برگ تفسیر قرآن عظیم و چند متن دیگر آمده است .

پی افتادن : به معنی فهمیدن در تفسیر قرآن پاك، تفسیر کمبریج ، چند برگ قرآن عظیم و شعر عطار و خاقانی و تفسیری بر عشری از قرآن به کار رفته و هنوز در گفتار مردم هزاره افغانستان و بعضی از نواحی معمول است .

برده گرداندن : در تفسیر قرآن پاك، تفسیر کمبریج و تفسیری بر عشری از قرآن چند بار به کار رفته است . و بسیاری واژه‌های دیگر، و با این قرائن میتوان حدس زد که حوزه تألیف تفسیر قرآن پاك تفسیری بر عشری از قرآن، تفسیر کمبریج و چند برگ تفسیر قرآن عظیم قریب بهم ، و احتمالاً شمال شرقی خراسان بوده است .

و اما «چند برگ تفسیر قرآن عظیم» آقای مایل هروی حدس زده‌اند که ظاهراً از اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است در اینجا فهرستی از نوادر لغات و ترکیبات این متن را ملاحظه میکنید و ضمن همین فهرست . وجوه اشتراك و ازگان این کتاب با تفسیرهای دیگر بخصوص «تفسیری بر عشری از قرآن» نموده خواهد شد:

آزادی : به معنی شکر و سپاس که در اغلب متون دیده شده است : ص ۵۳
آهختن و آهنجیدن (کینه ...) در متن حاضر چند بار آمده است : ص ۱ ،
۳۴، ۲۸، ۲۶

انبارده‌وار : در ترجمه «فرهین» در تفسیر کمبریج و تفسیر قرآن پاك انبارده و انباردگی دیده شد : ص ۳۰

انبوئیدن : بوئیدن و بوکردن (در معنی متعدی) ص ۱
برده گرداندن : مغلوب کردن کسی با دلیل و برهان ص ۸-۱۰
این ترکیب در تفسیر قرآن پاك، تفسیر قرآن مجید (تفسیر کمبریج) و تفسیری بر عشری از قرآن به کار برده شده است.

پای‌واه : عذاب، پاداش، مکافات که فقط در تفسیر قرآن پاك و تفسیری بر عشری از قرآن دیده شد .

پی افتادن این ترکیب که تقریباً معادل فهمیدن و پی بردن است در ادب

فارسی به کار رفته از آن جمله است در تفسیر قرآن پاک، تفسیر قرآن مجید
(تفسیر کمبریج)^۱

خاقانی گفته است :

چو طوطی کاینه بیند شناس خود بیفتد پی
چو خود در خود شود حیران کند حیران سخن دانش^۲

وعطار گفته است در منطق الطیر :

هر که چشم دولتی بروی فتاد

جانش در یک دم به صد سر، پی فتاد^۳

پیشینگان : در ترجمه «اولین» ص ۳۸

زلیفن کردن : تهدید کردن و ترسانیدن، بیم دادن کسی را ، ص

۴۶-۱۱

سنگ ویز : سنگ باران، سنگ سار ص ۲۵

این ترکیب فقط در تفسیری بر عשרی از قرآن مجید دیده شد و بس .

غر نبیدن : «یک نعره زند آتش نعره زدنی، بر خویشتن بفر نید غر نبیدنی»

ص ۲۱ که در تفسیری بر عשרی از قرآن آمده است .

فرو دیو بارانیدن : در ترجمه اغرق که در متن تفسیری بر عשרی از قرآن

هم به صورت فرویو بارانیدن به کار رفته است و در متن دیگری دیده نشد

ص ۱۶-۲۶

کار دو : در ترجمه طلع، شکوفه خرما ص ۲۹ این واژه در بسیاری از

متون فارسی آمده است از آن جمله : تفسیر کمبریج، ترجمه تفسیر طبری و مهذب

الاسماء و ...

۱- برای شاهد نگاه کنید به تفسیر قرآن پاک به اهتمام علی رواقی

ص ۱۴۳

۲- دیوان خاقانی به اهتمام دکتر ضیاءالدین سجادی ص ۲۱۰ - این

ترکیب در فهرست لغات و ترکیبات نیامده است .

۳- منطق الطیر به تصحیح دکتر سید صادق گوهرین ص ۹۴

بد نیست که افزوده شود مصحح منطق الطیر - آقای دکتر گوهرین - در

فرهنگ لغات و ترکیبات این کتاب، کلمه را باشتباه «سری» ضبط کرده ، و آن

را سرپازدن معنی نموده اند . بر بنده روشن نیست که ایشان متن را چطور خوانده

و این کلمه را چرا «سری» دانسته اند بهر حال معنی بیت با توجهی که شد

روشن است .

کیاده کردن : ظاهرأ به معنی فریب دادن و حیل و دستان کردن است ص ۱۲
گم بوده و گم بودگان و گم بوده وار : به ترتیب در ص ۲۲-۱۹-۴۴ در تفسیر
کشف الاسرار، ترجمه تفسیر طبری و تفسیر کمبریج و ... آمده است .

آقای مایل هر وی در مقدمه این کتاب چندواژه از این متن را معنی کرده اند
که چون پاره ای از آن معانی نادرست میباشد بد نیست که درباره آنها سخنی گفته
آید : نوشته اند : «آهنچنده» : به معنی برون کردن و بر کشیدن .

بهتر است آهنچیدن را به این معنی بدانیم نه آهنچنده را .

افراشتگی : به معنی تحسین نیک و زیبا، مرکب از افرا و شنگی، نگارنده
این یادداشت نمی داند که آقای مایل این معنی را از کجا آورده اند و وجه ترکیب
آن را چگونه مشخص کرده اند متن کتاب چنین است :

سنا : بر افراشتگی بود اندر صفات، ای که ملک او برتر از همه ملکها
و قدرت وی برتر از همه قدرتها ...»

مفسر خود توضیح داده است که بر افراشتگی یعنی برتری بنا بر این، حاجتی
نیست که آقای مایل واژه را مرکب از افرا و شنگی بدانند و پیشوند «بر» را -
که در متن بوده است - در نظر نیاورند. سایر مفسرین «سنا» را بزرگواری دانسته اند
و این دلیلی است بر اینکه کلمه در متن - بر افراشتگی است .

کیاده : به معنی کشیدن کمان نرم گاه به معنی ظرف پهلوان خانه (زورخانه)
معنی و مقصود ایشان مفهوم نشد بهر حال هم واژه را بد خوانده و هم معنی نادرستی
از برای آن داده اند .

در متن صریح کیاده کردن آمده است و ظاهرأ به معنی حیل کردن و فریب
دادن است .

برده : به معنی غلام .

اولا برده به معنی غلام واژه فارسی نیست و ضبط آن ضرورتی ندارد .

ثانیاً واژه در متن به صورت برده است (به ضم اول) این کلمه دوبار با فعل
گرداندن در این چند برگ به کار رفته است به معنی مغلوب کردن و محکوم کردن
برده (به ضم اول و فتح سوم) در تفسیر قرآن پاک هم آمده است .

مفسر تفسیر پاک نوشت : «پارسی حجت بهانه ای بود که خصم را برده
گرداند»^۱.

این مثال از تفسیر کمبریج است «برده کرد رسول ایشان را برین حجت

که گفت»^۱

آقای دکتر متینی هم این واژه را در مقاله تفسیری بر عשרی از قرآن به ضم اول ضبط کرده اند .

گرد بر کرد : جمع آوری .

ضبط کلمه نادرست میباشد « گرد بر کرد » بوده که چند بار در همین متن به کار رفته است :

« گفت فرعون مران مهتران را که گرد بر کرد وی بودند » ص ۷

« و بفرست بدین دیهها که گرد بر کرد مصرست پیادگان » ص ۸

بنوئیدن : انباشتن

بازهم واژه را اشتباه خوانده اند مفسر نوشت ... از هر گونه نبات و ریحان

نیکو به دیدار، خوش به خوردن و خوش به انبوئیدن» ص ۱

انبوئیدن به معنی بو کردن است (البته در معنی متعدی) و بوئیدن - انباشتن

نادرست است و معنی مضبوطی ندارد . این واژه در متون فارسی آمده است :

« و بینی را بیافرید تا بویها را بدان بینبویی و آن نیز جفت آفریده »^۱

این کلمه به صورت انبوئیدن و انبویانندن در دانشنامه میسری مکرر به کار

رفته است.^۲

سنایی در حدیقه گفت :

هر که مرعقل را بینبوید از حدیثش همه نکت روید^۳

و جایی دیگر گفت :

به مشام آنکه گل بینبوید

از مشامش نشاط دل روید^۴

درفرخ نامه جمالی مکرر به کار رفته از آن جمله است :

« ذهره رو باه بینبویند هم در ساعت خواب بروی غلبه کند. »^۵

« و چون (نیلوفر) بسیار انبوید معده قوی کند و درد سر ببرد و خواب

خوش آرد »^۶.

۱- ترجمه تفسیر طبری ص ۳۲۰

۲- اشعار پراکنده ص ۱۸۹ و رك : المصادر روزنی ج ۱ ص ۱۱۲ و ج ۲

ص ۴۰۱-۵۷۹

۳- حدیقه سنایی ص ۲۹۷

۴- نیز همان کتاب ص ۴۰۵ و رك : ص ۲۷۱

۵- فرخ نامه جمالی، به تصحیح ایرج افشار ص ۸۹۱

۶- نیز همان کتاب ص ۱۴۷ و رك : ص ۸۹-۲۰۲

در مقدمه کتاب، بخشی را اختصاص داده‌اند به «بعضی جملات زیبا».

باید افزود که در نقل این جمله‌ها از متن، دچار اشتباه خوانی شده‌اند و بسیاری از جملات نادرست است مثلاً:

«من یکی از پیام‌گذرانده‌ام»

که در متن چنین است: «من یکی پیام‌گزارنده‌ام»

یا این جمله: «و آن نهاد ابروان برکشید»

که ضبط متن این‌گونه است: «دست بر ابروان نهاد ابروان بر

کشید».

بگذریم از این یادداشت‌ها، جای سپاس است از تلاش و کوششی که آقای

مایل هروی در طبع و نشر این کتاب مصروف داشته‌اند، و منتظریم «نسخه‌های

قدیم‌تر آن عظیم‌الشان را (که) در شعبه نسخ خطی کتابخانه‌های عامه کابل موجود

و محفوظ هستند» طبع و نشر کنند تا از آن‌ها نیز سودها ببریم.